

بسم الله الرحمن الرحيم

راهکارهای حل اختلاف زن و شوهر در قرآن و روایات

رقیه سهرابی*

چکیده

ریشه اختلافات میان همسران به نوع دیدگاه و مختصات فرهنگی هر کدام از آن‌ها برمی‌گردد و گاهی به علت سهل‌انگاری در وظایف زناشویی این اختلافات تشدید می‌شود یا انتظارات بیش از حد طرف مقابل گاهی مشکل درست می‌کند، اما کلام الهی راه روشنی برای زندگی انسان‌ها ترسیم کرده است تا اختلافات میان خانواده از بین برود. با توجه به اینکه وجود اختلاف سلیقه و علایق و اختلاف در زمینه‌های دیگر مانند اختلاف در میزان هوش و ابعاد معنوی و خلق و خوی در میان زن و شوهر و عدم درک متقابل آن‌ها از هم، باعث شده تا در زندگی زوج‌های جوان خلل ایجاد شود و یکی از اهداف دین نظم بخشی به خانواده و جامعه بشری است، راه حل‌هایی هم در قرآن و هم در روایات آمده است. از آنجا که خانواده سنگ بنای جامعه و سلول بنیادین اجتماع است، تحکیم و تقویت خانواده بر طرف کردن اختلافات خانوادگی اهمیت بسیاری در راستای نظم بخشیدن به جامعه دارد. شیوه کار در این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای است و به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است به طوری که ابتدا به تحقیق و بررسی اختلافات خانوادگی پرداختم و سپس راه‌هایی برای این اختلافات از قرآن و روایات و تفاسیر آنها استنباط کردم. دستاورد این مقاله راه‌هایی به سبک دینی و اسلامی است که با استفاده از قرآن و روایات استنباط گردید تا اختلافات خانوادگی که همه از حیل‌های دشمنان دین است به جاهای خطرناک و طلاق نرسد.

کلید واژه: اختلاف، اسلام، زن و شوهر، صلح، قرآن

* طلبه سطح ۲ حوزه علمیه کوثر ورامین (h.kosar.varamin@gmail.com)

مقدمه

با توجه به حساسیت بیش از حد موضوع و افزایش اختلافات در جامعه کنونی که اثرات مخرب زیادی بر خانواده و جامعه دارد این ضرورت به چشم می خورد که در باب راهکارهای حل اختلاف زن و شوهر پژوهش هایی کار آمد به عمل آید.

افزایش تعداد زوج هایی که بر اثر به وجود آمدن این اختلافات زندگی شان دچار دگرگونی شده است باعث شده تا ما به بررسی این موضوع بپردازیم که ریشه این اختلافات چیست؟ از کجا سرچشمه می گیرد؟ و در اسلام و قرآن چه راهکارهایی پیشنهاد شده تا این اختلافات از بین بروند؟

در این مقاله سعی شده است از علوم و منابع قرآنی و تفاسیر مفسران شیعه (نمونه و المیزان) و روایات و در جهت تجزیه و تحلیل هرچه بیشتر موضوع از مقاله و پایان نامه های مرتبط استفاده گردد تا نتیجه بهتری به دست آید.

در این پژوهش ابتدا کلیاتی از بحث نظیر جایگاه خانواده و پایه و اساس ازدواج و سپس عوامل تفرقه و ریشه های اختلافات و آثار آنها از دیدگاه اسلام و قرآن به سخن رفته است. پس از آن، به شرح راهکارهای قرآنی مانند صلح و سازش، اعتماد و داوری صحیح و راهکارهای روایی مثل محبت و مهربانی، خوش رفتاری، آزار نرساندن و ... طبق آیات روشن و احادیث معصومین (ع) پرداخته شده است. در نتیجه درباره ارزش خانواده و شرایط و راهکارهای حل اختلافات متناسب با نوع اختلاف صحبت شده است.

خانواده یکی از مهم ترین جایگاه هایی است که باعث می شود مشکلات جامعه به کانون صمیمی و محافظ خانواده نتواند نفوذ کند. صیانت و تحکیم کيان خانواده و تاسیس آن بر سکون و مودت و رحمت تاثیر زیادی در امنیت و آرامش جامعه دارد و با فروپاشی خانواده آسیب های فراوانی دامنگیر جامعه می شود.

ریشه های اختلافات میان همسران عبارتند از نداشتن نیت مناسب در اول ازدواج، مسائل اقتصادی، عدم اعتماد زوجین، چشم و هم چشمی، عصبانیت، دورویی، دروغ، پنهان کاری، پرخاشگری و خشونت، لجاجت، خودبینی و تحقیر دیگری، که قرآن برای رفع اختلافات بین زن و مرد راه حل های عملی و واضحی ارائه کرده است.

قرآن کریم در آیاتی به صورت دقیق اختلافات خانوادگی را مطرح می کند و بعد راهکارهایی برای حل اختلاف را ارائه می دهد. در هر خانواده مشکلات و اختلافات به وجود می آید چون هریک از زوجین دارای فکرهای مختلف و خانواده هایی متفاوت دارند و این باعث برخی اختلافات می شود.

پایه و اساس ازدواج

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»^۱ و از نشانه‌های او اینکه از نوع خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد؛ آری در این نعمت برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است.»

با توجه به آیه شریفه در می‌یابیم که اصل ازدواج بر اساس محبت و رحمت است و همسران مایه آرامش یکدیگرند.

افراد باید قبل از تشکیل زندگی مشترک هدف از ازدواج را به درستی مشخص کنند؛ اگر هدف و نیت آنان درست نباشد، به زودی از خط خدا خارج شده و وارد خط شیطان می‌شوند و زندگی‌شان دچار دگرگونی می‌شود.

خود محوری و خودشیفتگی عامل تفرقه

اگر زن و شوهر خود محور باشند و زندگی را براساس خواسته‌ها و منفعت خود پیش ببرند تفرقه بین آن‌ها پیش می‌آید.

مؤدت و رحمت هدیه خداوند به انسان است؛ زن و شوهر مسلمانی که می‌دانند محبت کردن باعث تفاهم و خوشبختی زندگی‌شان می‌شود، پس به چه دلیل در برخی زندگی‌ها شاهد اختلافات متعدد هستیم، آیا این موضوع باز هم بر می‌گردد به نوع دیدگاه و وجود اختلاف سلیقه‌ها؟

مبارزه با هوای نفس و خودخواهی و غرور و خودپسندی، نه تنها جلو بروز اختلاف را می‌گیرد، بلکه می‌تواند اختلافات موجود را هم به صلح و آشتی و تفاهم تبدیل کند.

گاهی چنین است که هر یک از طرفین، از دیگری انتقاداتی دارد و هیچ یک نیز حاضر به پذیرفتن انتقادات دیگری و برداشتن گامی در جهت تفاهم و توافق نیست.

گاهی چنین است که یکی از زن و شوهر، از انجام وظیفه خود تخلف می‌ورزد، یا زن از اطاعت همسر در محدوده امور زناشویی سر باز می‌زند و حاضر نیست طبق گفته قرآن در برابر همسر خویش (قانت) باشد و یا در غیاب او حافظ مال و ناموسش باشد. و یا مرد، از دادن نفقه و حسن معاشرت، خودداری می‌کند.

۱- روم: ۲۱.

قرآن و حل اختلافات خانوادگی

۱- صلح

به این معنا که همسران به گونه‌ای رفتار کنند که بین آن‌ها همواره آشتی برقرار شود؛ خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَإِنَّ امْرَأَةً خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا»^۱ اگر زنی دریافت که شوهرش با او بی‌مهر و از او بیزار شده است، باکی نیست که هر دو در میان خود طرح آشتی افکنند، که آشتی بهتر است. و بخل و فرومایگی بر نفوس مردم غلبه دارد. و اگر نیکی و پرهیزگاری کنید خدا به هر چه می‌کنید آگاه است. که تأکید آیه بر روی صلح است و سه مرتبه از آن بهره گرفته و در نهایت صلح را بهتر از خیر می‌داند.

تفسیر نمونه:

و اگر زنی، از طغیان و سرکشی یا اعراض شوهرش، بیم داشته باشد، مانعی ندارد با هم صلح کنند (و زن یا مرد، از پاره‌ای از حقوق خود، بخاطر صلح، صرف نظر نماید). و صلح، بهتر است؛ اگر چه مردم (طبق غریزه حبّ ذات، در این گونه موارد) بخل می‌ورزند. و اگر نیکی کنید و پرهیزگاری پیشه سازید (و بخاطر صلح، گذشت نمایید)، خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.

پس در مورد اختلاف‌ها باید قبل از وقوع علاجی کرد. گذشتن از حق برای رسیدن به خانواده و حفظ آن بهتر است و به طلاق زیاد میل نداشته باشد. زوج‌ها باید اول خودشان را اصلاح کنند چون هر دو مشکل دارند نه یکی. به خاطر خانواده باید بعضاً از حق شخصی گذشت و گذشت همیشه باعث آشتی می‌شود و بخل مانع می‌شود. رمز بسیاری از طلاق‌ها بخل و حرصی است که انسان را احاطه می‌کند و گذشت مرد از تمایلات جنسی و عدالت مرد از نمونه‌های ایمان و تقوا است.

۲- اعتماد به یکدیگر

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»^۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوای خدا پیشه کنید و با راستگویان و از صادقان باشید؛ اعتماد در زندگی به معنی غفلت و بی‌خبری از یکدیگر نیست بلکه به معنای

۱- نساء: ۱۲۸.

۲- توبه: ۱۱۹.

اطمینانی آگاهانه است که پایه و اساس آن عشق صادقانه و احترام عمیق است و اعتمادسازی نیز وظیفه زوجین است؛ صداقت داشتن با یکدیگر باعث افزایش اعتماد بین دو طرف می‌شود اما دروغ زندگی خانوادگی را متلاشی می‌کند.

یکی از مشکلات زوج‌های جوان چشم و هم‌چشمی است که باعث اختلاف بین زوجین می‌شود و روش درمان آن کاهش ارتباط با دنیا طلبان و خانواده‌هایی که از نظر مالی بالا باشند و توجه به پایین ترها است چون اصلی‌ترین علت ناکام ماندن در تأمین نیازها است چرا که خانواده‌های دنیا طلب از ما بالاترند و ما نمیتوانیم هم سطح آنها باشیم. همیشه باید زوج‌ها با همدیگر صلح داشته باشند و در اختلافات با سازش رفتار کنند و افراد باید قبلاً از ازدواج نیتشان مشخص باشد و درست باشد.

شاید اصلی‌ترین علت پرخاشگری، ناکامی در تأمین نیازهاست؛ در رابطه با روش‌های درمان پرخاشگری باید گفت ترک کردن مکان، بیرون کردن احساس منفی، فکر کردن به پیامد رفتار و آرام کردن خود از جمله این روش‌هاست.

یکی از مفیدترین راه‌ها برای از بین بردن اختلافات صلح و سازگاری است؛ زن و شوهری که با هم صلح و سازگاری داشته باشند، در بیشتر مواقع و در بیشتر موضوعات با هم سازش دارند و دچار اختلاف نمی‌شوند. این دو اگر بتوانند این موضوع را همیشه و در کنار هم انجام دهند، تمام عوامل را تا حدودی به صفر می‌رسانند؛ یعنی اگر زن و شوهری با هم صلح و سازش داشته باشند، اعتماد بین آنها نه تنها کاهش پیدا نمی‌کند بلکه افزایش نیز می‌یابد؛ حتی این صلح و سازش باعث می‌شود که مشکلات اقتصادی هم به دست فراموشی بسپارند.

۳- فرمانبرداری از مرد

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا»

مردان، از آن جهت که خدا بعضی را بر بعضی برتری داده است، و از آن جهت که از مال خود نفقه می‌دهند، بر زنان تسلط دارند. پس زنان شایسته، فرمانبردارند و در غیبت شوی عقیقت و فرمان خدای را نگاه می‌دارند. و آن

زنان را که از نافرمانیشان بیم دارید، اندرز دهید و از خوابگاهشان دوری کنید و بزیندشان. اگر فرمانبرداری کردند، از آن پس دیگر راه بیداد پیش مگیرید. و خدا بلندپایه و بزرگ است.

تفسیر نمونه:

مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، بخاطر برتریهایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و بخاطر انفاقهایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند. و زنان صالح، زنانی هستند که متواضعند، و در غیاب (همسر خود)، اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می‌کنند. و (اما) آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید! (و اگر مؤثر واقع نشد،) در بستر از آنها دوری نمایید! و (اگر هیچ راهی جز شدت عمل، برای وادار کردن آنها به انجام وظایفشان نبود،) آنها را تنبیه کنید! (تنبیهی با گیاه مانند که اثرش نماند) و اگر از شما پیروی کردند، راهی برای تعدی بر آنها نجوید! (بدانید) خداوند، بلندمرتبه و بزرگ است.

پس مردان دارای ولایت بر زن‌ها هستند از جهت‌های مختلف بدنی، فکری. قرآن هم در حال تقسیم مال بین زن و مرد تفاوت را مشخص کرده است و مرد‌ها وظیفه دارند به زن‌ها خود نفقه دهند و این نفقه هم باید در مقابل تمکین، حفظ حقوق و اسرار شوهر است. پس اگر این وظایف ترک شود سرپیچی است و اگر اختلاف به وجود آید این اختلاف را اول با نصیحت به زن بگوییم بعد قهر کنیم و بعد از خوابگاه دورش کنیم و بعد از آن تنبیه بدنی کنیم. البته در مورد تنبیه قول‌هایی است که باید بعد از این مراحل که قهر و دوری از خوابگاه مؤثر نشد انجام دهیم و تنبیه طوری باشد که خودنمایی قدرت به زن نکنیم و فقط تنبیه ارشادی باشد و شدتش کم باشد. خداوند زنان را حافظ قرار داده برای مردان و بعضاً زن‌هایی وجود دارد که از هر لحاظ شاید از مرد در مدیریت خانواده برتر باشد ولی باید عموم را در نظر بگیریم نه نادر را. و در آخر باید نحوه‌ی تنبیه را کمی باز تر کنیم به طوری که جای سیاهی و کبودی نباشد چون حق نداریم زن را طوری بزینیم که موجب آزار و اذیت باشد و این تنبیه بدنی در آیه‌ی قرآن فقط نشان دادن و ترساندن برای زن است. پس در ۳ مرحله عبارتند از:

۱- نصیحت

این مرحله با تعبیر «فعضوهن»، در قرآن آمده است. در این هنگام، مرد از راه ارتباط کلامی که شامل نصیحت‌های دلسوزانه و راهنمایی مشفقانه است، از زن می‌خواهد که به وظایف خود عمل کند. نصیحت با کلام محبت آمیز همراه با هدیه یا هر کار تشویق کننده، بسیار مؤثر است. چنانکه بیان شد، زنان به روابط کلامی

حساس ترند و بیشتر مایل اند مسائل خود را از طریق روابط کلامی ابراز کنند. استفاده از روابط کلامی در روشن شدن مسائل و حل اختلافات بی تردید تأثیر بیشتری دارد؛ زیرا هر فرد می‌فهمد که طرف مقابل چه توقعاتی از او دارد. برای حل مشکلات، مرد می‌تواند با زبانی شیرین و لحنی دل‌نشین به بیان تأثیرات نامطلوب نشوز بر زندگی و سعادت اخروی زن بپردازد: موعظه کننده باید ثابت کند که دلسوز، امین و خیرخواه است و تسلیم هوای نفس و اغراض و مقاصد شیطانی نیست. افزون بر این، کلام خداوند در قرآن، بهترین شیوه‌های موعظه را شامل می‌شود که مرد باید از آنها استفاده کند. موعظه‌های قرآنی بیشترین تأثیر را در افراد بر جای می‌گذارد؛ از جمله این که مرد در مقابل رفتار نامناسب زن، به او خوبی کند. اگر در زمان نشوز زن، مرد بتواند رفتار و عواطف خویش را کنترل کند و رفتار نامناسب زن را با خوبی پاسخ دهد، بنابر اصلی که قرآن ارائه کرده، دشمنی زن به دوستی همراه با صمیمیت و یکدلی تبدیل می‌شود، البته وجود صبر، ایمان و تقوا در مرد نقش مهمی در تسهیل این رفتار ایفا می‌کند.^۱ از موعظه‌های دیگر، توجه دادن زن به پیمان محکمی است که بین او و شوهر برقرار شده و تضعیف آن از لحاظ عاطفی و شناختی نامناسب است.^۲ بدون تردید، بیشتر زنان به این شیوه ظریف و لطیف واکنش نشان می‌دهند.

۲- دوری کردن در بستر

در صورت سودمند نبودن این روش، قرآن به مرحله دوم که دوری از زن در بستر است، اشاره می‌کند.^۳ پشت کردن در بستر، ترک روابط جنسی، و قطع روابط کلامی و معاشرت، از شیوه‌هایی است که از آن در این مرحله استفاده می‌شود. بر اساس ظاهر قرآن، اشتراک بستر خواب باید ادامه داشته باشد، ولی در بستر با او قهر کند؛ برای مثال، در بستر به او پشت کند، و به نحوی ناخشنودی خود را به او بفهماند.^۴ این جدایی عاطفی تا حدی زن را به تفکر درباره‌ی رفتار خود وا می‌دارد و زمینه‌ای برای اصلاح رفتار و نوعی تنبیه برای او به شمار می‌رود. به نظر می‌رسد این تنبیه نباید به جدایی بستر و اتاق خواب بینجامد؛ زیرا ممکن است این رفتار به ناسازگاری و رفتار بدتری کشیده شود. دوری در بستر متضمن تأثیراتی است که با جدایی بستر و ترک اتاق خواب حاصل نمی‌شود. اجتماع در بستر، احساس تعلق زناشویی را برمی‌انگیزد و موجب سکونت و آرامش و از بین رفتن اضطرابی می‌شود که در اثر حوادث قبل پدید آمده است. دوری در بستر، زمینه‌ای است تا احساس تعلق

۱- فصلت: ۳۴ و ۳۵.

۲- نساء: ۲۱.

۳- نساء: ۳۴.

۴- علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۵۴۶.

زناشویی و آرامش حاصل از آن، زن را وادارد که به بررسی علت اختلاف پرداخته و به توافق با همسرش دست یابد. در تحلیلی ژرف تر، دوری در بستر به جنبه روان شناختی روابط زن و مرد باز می‌گردد. از آن جا که توجه عاطفی مثبت مرد به زن برای او اهمیت اساسی دارد و زن به شیوه‌های متعدد به دنبال جذب همسر خویش است، اگر مرد به بستر برود و در بستر از زن دوری کند، از لحاظ روانی در موضع بالاتر و مقتدرتری قرار می‌گیرد و زن در این حالت وقتی احساس می‌کند در جلب توجه مرد ناموفق بوده است، به شکست خود پی می‌برد. این تنبیه روانی در واقع راهی برای بازگشت او است. به نظر می‌رسد که این جدایی نباید بیش از سه روز ادامه یابد،^۱ و فقط در صورت عدم تأثیر آن می‌توان به مرحله سوم وارد شد.

۳- تنبیه

در این مرحله، تنبیه بدنی مطرح می‌شود. برای روشن شدن دیدگاه اسلام نسبت به این روش، باید به مسائل اساسی زیر پاسخ دهیم:

۱- در چه شرایطی می‌توان از تنبیه یاد شده استفاده کرد؟

۲- ماهیت این تنبیه چیست؟

۳- شدت و کیفیت این تنبیه چگونه است؟

۴- چه تبیین‌هایی برای تجویز این شیوه می‌توان ارائه کرد؟

۵- شرایط اجتماعی عصر کنونی مقتضی چه ملاحظاتی در مورد این شیوه است؟

در پاسخ به پرسش اول باید گفت: بر اساس آیه قرآن، این روش تنها پس از نصیحت کردن زن و دوری از بستر قابل اجراست. به نظر می‌رسد در صورتی که مرد در رویارویی با مشکل رفتاری همسر از دو شیوه اول استفاده کند، مشکل حل خواهد شد و درصد بسیار کمی از زنان به این شیوه‌ها پاسخ نداده و کار را به مرحله سوم می‌کشانند. در هر صورت، مرد حق ندارد پیش از دو شیوه اول، از تنبیه بدنی استفاده کند. افزون بر این شیوه تنها در مورد عدم همراهی زن در وظایف همسری، توصیه شده است و در هیچ مشکل دیگر خانوادگی نمی‌توان از آن استفاده کرد. برخی روایات اسلامی نیز شرایط استفاده از این روش را محدودتر کرده، تنها در صورت

۱- کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۴۵.

ارتکاب فحشا از سوی زن آن را تجویز نموده اند. شرط دیگر استفاده از این روش، کارآمد نبودن راه های مسالمت آمیز دیگر و احتمال تأثیرگذاری آن است. اگر زن در شرایطی قرار گیرد که خود را در نشوز بر حق بداند، باید به راه حل نشوز زن و مرد پرداخت که از آن به شقاق تعبیر می شود.

در مورد ماهیت این تنبیه^۱ در آیه نشوز که به پاسخ سؤال دوم مربوط می شود: باید گفت که معنای آن، نوعی تنبیه بدنی است. البته همه صاحب نظران مسلمان تنبیه زن را در حدی جایز می دانند که هیچ گونه آسیبی مانند جراحت، سیاهی، کبودی و حتی قرمزی به بدن زن وارد نشود.^۲ بر این اساس، این تنبیه، بدنی و در عین حال خفیف و بازدارنده و در واقع تنبه و یادآوری است نه تنبیه و آزاررسانی.

با وجود این، در مورد این نوع تنبیه، هر چند خفیف، با توجه به کلمات اولیای دین (علیهم السلام) و دیدگاه های دانشمندان مسلمان، دو برداشت ارائه شده است: برخی معتقدند نوعی کیفر و تنبیه بدنی خفیف است؛ بنابراین، به لحاظ تأثیری که در جسم ایجاد می کند، باعث متأثر شدن زن و پذیرش خواسته های شوهر می شود. برداشت دوم، آن را نوعی کیفر و عقوبت روانی نه جسمی در نظر می گیرد. مرد با این برخورد می خواهد ناراحتی خود را نسبت به رفتار زن اعلام کند و به او بفهماند که علاقه و دلبستگی او نسبت به همسرش در معرض خطر است؛ بر این اساس، تنبیه نماد واکنش عاطفی منفی و شدید مرد به رفتار زن است. این برداشت با تفسیر و تبیین روایات از آیه نشوز سازگارتر به نظر می رسد؛ چرا که معمولاً شرط کرده اند تنبیه بدنی آزار دهنده نباشد. بی تردید چنین برخوردی را نمی توان تنبیه بدنی شمرد؛ زیرا هیچ گونه آزار جسمی ایجاد نمی کند. در هر صورت، با توجه به تفسیر اولیای دین (علیهم السلام)، مقصود قرآن از «ضرب»، تنبیه بدنی به معنای مصطلح نیست، بلکه تنبیه ویژه ای است که تأثیر روانی و عاطفی می گذارد، نه آسیب جسمی و بدنی. در مجموع به نظر می رسد، ماهیت این تنبیه به گونه ای است که نوعی ضربه عاطفی به زن وارد شود که شدتش از دوری کردن در بستر، کمی بیشتر است.

در پاسخ به پرسش سوم، باید گفت لازم است این تنبیه سبک و خفیف باشد و مرد نباید به قصد تشفی و انتقام گیری به این کار روی آورد.^۳ قصد اصلاح رفتار زن، از شرط های اساسی این شیوه شمرده شده است. حد دیگری که برای تنبیه در قرآن بیان شده، بازگشت زن به روش معمول خویش و انجام وظایف همسری است. در این

۱- نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۰، ح ۳.

۲- اصفهانی، وسیله النجاه، ص ۷۷۵؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۲۰۶.

۳- همان، ص ۲۰۷.

صورت، حتی همین تنبیه خفیف، ستم و تعدی به زن به شمار می‌آید.^۱ بنابراین، هرگونه تنبیهی از این قیود از لحاظ دینی بسیار نامناسب است و مرد در صورت هرگونه آسیب روانی و بدنی به زن، نه تنها مرتکب حرام شده، بلکه باید به او دیه بپردازد.

اسلام(صلی الله علیه و آله و سلم) آسیب به زنان را به شدت نهی کرده و مردانی را که چنین روشی دارند، دور از اخلاق و دیانت دانسته است. آن حضرت در سراسر زندگی، نه تنها همسران، بلکه هیچ گاه خدمتگزار یا هیچ کس دیگر را تنبیه بدنی نکرد. در موردی رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) توصیه می‌کند به خواستگاری مردی که زن را می‌زند جواب منفی بدهید. در مجموع، سیره عملی پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) و اولیای دین(علیهم السلام) نفی خشونت نسبت به زنان است.

در پاسخ به سؤال چهارم که به چرایی این تنبیه مربوط می‌شود، دانشمندان مسلمان نظراتی بیان نموده اند. مهم‌ترین تبیین، آن است که این تنبیه ضربه عاطفی محکمی است که مانند شوکی زن را نسبت به مشکل خانوادگی آگاه می‌کند، در غیر این صورت ممکن است، زن با بی‌توجهی، به ناسازگاری ادامه دهد و خانواده را به فروپاشی کشاند. باید توجه داشت که در این مرحله، راه حل‌های پیشین مانند گفتگو و دوری در بستر، تأثیری در زن نداشته است و لازم است برای اصلاح رفتار او قدم بعدی برداشته شود. نکته دیگر، جنبه پیشگیرانه این روش است. گاه با اعمال این روش می‌توان از منجر شدن مشکل خانواده به محاکم قضایی و علنی شدن پیشگیری کرد. در غیر این صورت ممکن است مشکلات خانوادگی به سادگی جنبه حقوقی پیدا کرده و حتی تشدید شود. همچنین صرف اطلاع زن از برخورداری مرد از این حق می‌تواند، در مواردی از بروز نشوز پیشگیری کند.

در مورد این که چرا این شیوه را فقط مرد می‌تواند به کارگیرد نیز دلائلی بیان شده است. مهم‌ترین نکته، لزوم اقتدار مثبت مرد در خانواده است. تجویز به کارگیری این شیوه برای مرد، اقتداری را برای او در خانواده تثبیت می‌کند که می‌تواند به بسیاری از اختلافات پایان دهد. از طرف دیگر تجویز این شیوه برای زن به دلائلی مناسب نیست. اول این که غالب زنان، توانایی اعمال این شیوه را ندارند.^۲ شاید همین توانایی جسمانی کمتر زنان موجب شده که در همه کشورهای دنیا، رقابتهای ورزشی زن و مرد جدا برگزار شود. دوم این که زنان شیوه‌های عاطفی قوی تری برای اصلاح رفتار مردان و جلب آنها به سوی خود دارند که گاه بیش از گفتار و هرگونه شیوه ی

۱- نساء: ۳۴.

۲- مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۷۴.

عملی مؤثر واقع می‌شود.^۱ سوم این که دادن چنین حقی به زنان درکنار مردان، به تشدید اختلافات و تنازعات در خانواده منجر خواهد شد و محیط خانواده را به یک صحنه درگیری تبدیل می‌کند که جز افراد و نهادهای بیرون از خانواده قادر به حل مشکل آن نخواهند بود.

در پاسخ به سوال پنجم باید گفت: به طور کلی به کارگیری این شیوه الزامی نیست، بلکه راه حلی است که به عنوان ارشاد و رهنمود از سوی خداوند ارائه شده است. بدین ترتیب، می‌توان با توجه به تأثیرگذاری آن، شرایط زمانی، موقعیت خاص و شخصیت ویژه هر زن، از آن استفاده کرد. افزون بر این، رعایت شرایط لازم در این شیوه‌ها به ویژه لزوم قصد اصلاح در تنبیه بدنی برای بسیاری از مردان کنونی نیز دشوار است؛ بنابراین، بهتر است مرد در شرایط نشوز زن برای رعایت عدالت و دوری از ستم نسبت به او، مشکلات را با کمک مشاوران و متخصصان خانواده حل کند، و در غیر این صورت، ممکن است به جای حل مشکل، حقوق همسر خویش را پایمال نماید.

در صورتی که مرد حقوق مادی و روانی زن را ادا نکند و به تعبیر قرآن دچار نشوز شود، همسرش باید از راه نصیحت کردن و مطالبه حقوق خود، مرد را به انجام مسئولیتهای خانوادگی وا دارد. در مرحله بعد، استفاده از متخصصان خانواده به حل مشکل کمک می‌کند و در نهایت، اگر مشکل حل نشد، مراجع قانونی باید مشکل را حل کرده، مرد را به ایفای مسئولیتهای خانوادگی ملزم کنند. در همین شرایط، قرآن به زن و مرد توصیه می‌کند که مصالحه کنند^۲ و این امر به بیان توقعات زن و مرد از یکدیگر و تعدیل آن مربوط می‌شود. البته زن و مرد طبعاً به دنبال مزایای بیشتر و اعطای امتیازات کم تری هستند. در این شرایط، بهتر است آنان برای حفظ صفا و آرامش در زندگی خانوادگی به تعدیل توقعات خویش بپردازند. مرد مناسب است روش احسان و تقوا را در پیش گیرد و به همسر خود ستم نکند و در صورت بی‌مبالاتی، باید او را به این امر توجه دهد، ولی اگر مرد به وظایف خود عمل نکند و راه تعدی در پیش گیرد، باید مراجع بالاتری او را به انجام وظایف وادارند و حتی با فشار بر او، حقوق زن را از وی استیفا نمایند. در همین باب، حضرت علی (علیه السلام) در زمان حکومت خود فردی را که به همسرش تعدی کرده بود، با نصیحت و در نهایت با فشار به انجام وظایف خانوادگی واداشت.^۳ گاه مشکلات در روابط جنسی، به ضعف جنسی یا به نوعی بیماری و اختلال مربوط می‌شود که باید به درمان آن پرداخت. اولیای دین (علیهم السلام) برای تقویت رفتار جنسی، معمولاً افراد را به خوردن برخی میوه‌ها و غذاهایی توصیه

۱- علامه طباطبایی، المیزان، ج ۱۱، ص ۲۲۵.

۲- نساء: ۱۲۸؛ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۹۰ و ۹۱.

۳- مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۱۱۳.

می‌کردند که می‌توانست به تقویت قوای جنسی آنها بینجامد. بدیهی است در عصر حاضر نیز باید متناسب با پیشرفتهای علمی، درمان مناسب صورت گیرد. اگر درمان ناتوانی جنسی، موفق نباشد، براساس تعالیم اسلام، هریک از زن و مرد می‌توانند برای تأمین نیازهای عاطفی خود تا سرحد جدایی پیش رفته و حقوق خود را استیفا نمایند. نکته مهم در تعالیم اسلام، تأمین نیازهای عاطفی هر یک از زن و مرد است که بر اهمیت و ارزشمندی بقای یک خانواده اولویت دارد.

۴- داوری اصلح

«وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنْ اللَّهُ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا»

اگر از اختلاف میان زن و شوهری آگاه شدید، داوری از کسان مرد و داوری از کسان زن برگزینید. اگر آن دو را قصد اصلاح باشد خدا میانشان موافقت پدید می‌آورد، که خدا دانا و آگاه است.

تفسیر نمونه:

روی سخن در نخستین آیه ی این سوره به تمام افراد انسان است زیرا محتویات این سوره در حقیقت همان مسائلی است که تمام افراد بشر در زندگی خود به آن نیازمند هستند. سپس دعوت به تقوی و پرهیزگاری که ریشه ی اصلی برنامه های سالم سازی اجتماع می باشد ادای حقوق یکدیگر است و امروزه منشاء هزار گونه گرفتاری در جامعه هاست.

پس برداشت می شود در این آیه برای رفع اختلاف میان زن و شوهر راه حلی مطرح شده است و برای پیشگیری از وقوع طلاق و ناراحتی ، یک نوع دادگاه خانوادگی است که زن و شوهر هر طرف این داوران را قبول دارند و در خانواده این مشکلات زود حل می شوند و به حکم داوران احترام قائل می شوند. در این دادگاه خانودگی حرف در درون خانواده می ماند و به غریبه ها نمی رسد و پیشگیری در هر مساله بهتر است. جدایی و طلاق سزاوار ترس است و زن و مرد یک روح در دو پیکرند و اقدام حل اختلافات باید سریع باشد و این داوران مورد اعتماد هر دو طرف هستند و باید رازدار باشند.

راه حل های روایات و احادیث:

۱. محبت به همسر

شوهر باید نسبت به همسر خود با محبت باشد. پیامبر (ص): «كَلِّمُوا اَزْدَادَ الْعَبْدِ اِيْمَانًا اَزْدَادَ حَيًّا لِنِسَاءٍ»^۱

«هر چه ایمان بنده زیاد شود، محبت [وی] به زن ها نیز زیاد می شود»

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «كل من اشد لنا حبا اشد للنساء حبا»^۲ هر کس بیشتر دوستدار ما باشد به زن ها نیز بیشتر دوستی می کند.

۲. تنبیه (سیلی) هرگز

پیامبر (ص): «فای رجل لطم امراته لطمه، امرالله عزوجل مالک خازن النیران فیلطمه علی حر وجهه سبعین لطمه فی نار جهنم»^۳ هر کس به صورت زنش سیلی بزند، خداوند به آتشبان جهنم دستور می دهد تا در آتش جهنم هفتاد سیلی بر صورت او بزند.

۳. تهمت و سوء ظن هرگز

امام صادق (ع): « لا تقذفوا نساءکم فان فی قذفهن ندامه طویلہ وعقوبه شدیدہ»^۴ به زنان خود تهمت نزنید [و نسبت ناروا ندهید]، زیرا در این کار، برای شما پشیمانی طولانی و کیفر سختی خواهد بود.

۴. در کنار همسر نشستن

پیامبر (ص): «جلوس المرء عند عیاله احب الی الله تعالی من اعتکاف فی مسجدی هذا» نشستن مرد در کنار خانواده اش، نزد خدای بزرگ دوست داشتنی تر از اعتکاف [و نشستن] در این مسجد من است.

۱- مجلسی، بحار الانوار ج ۱۰۳، ص ۲۲۸.

۲- همان، ص ۲۲۷.

۳- نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۰.

۴- همان، ص ۲۴۹.

۵. صفای زندگی

حضرت علی (ع) میفرمایند «فدارها علی کل حال واحسن الصحبة لها فیصفو عیشک»^۱ همیشه با همسرت مدارا کن، و با او به نیکی همنشینی کن تا زندگیت باصفا شود.

۶. پرهیز از تکبر و خشونت

پیامبر (ص) میفرمایند: « خیر الرجال من امتی الذین لا یتطاولون علی اهلهم و یخنون علیهم ولا یظلمونهم»^۲ بهترین مردان امت من، آنکه به خانواده خود خشن و متکبر نباشند و بر آنان ترحم کنند و به آنان آزار نرسانند.

۷. لجبازی هرگز

پیامبر (ص) می فرمایند: «خیر نساء کم الودود الولود المواتیه و شرها اللجوج»^۳ بهترین زنانان زنی است که با محبت، فرزندان آور و سازگار باشد و بدترین آنها زنی است که لجباز باشد.

۸. طلاق هرگز

حضرت محمد (ص) می فرمایند: جبرئیل به قدری در مورد زنان سفارش کرد که گمان بردم که طلاق دادن آنان سزاوار نیست مگر این که عمل زشتی (فاحشه بینه) از ایشان آشکار گردد.^۴

همچنین ایشان میفرمایند: زن بگیرد و طلاق مدهید، زیرا عرش خدا از وقوع طلاق می لرزد.^۵

۹. مهربانی و بخشندگی

حضرت زهرا (س) می فرمایند: بهترین شما کسی است که در برخورد با مردم نرم تر و مهربان تر باشد و ارزشمندترین مردم کسانی هستند که با همسرانشان مهربان و بخشنده اند.^۶

۱- مکارم الاخلاق، ص ۲۱۸ .

۲- همان، ص ۲۱۶ .

۳- مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۲ .

۴- مکارم الاخلاق، ص ۲۲۰ .

۵- نهج الفصاحه ح ۱۱۴۷ .

۶- دلائل الامامه و کنز العمال، ج ۷، ص ۲۲۵ .

۱۰. تحمل بداخلاقی

پیامبر (ص) می فرمایند: هر زنی که در مقابل بداخلاقی های شوهرش بردباری کند خدا ثواب آسیه دختر «مزاحم» را به وی عطا خواهد کرد.^۱

۱۱. خوش رفتاری

پیامبر(ص) می فرمایند: بهترین شما مردی است که با همسرش به خوبی رفتار کند و من از همه شما نسبت به همسرم خوش رفتار تر هستم.^۲

امام صادق (ع) می فرمایند: هر زنی که به شوهرش احترام کند و آزارش نرساند خوشبخت و سعادتمند خواهد بود.^۳

۱۲. آزار نرساندن

حضرت علی (ع) می فرمایند: زنان نزد شما امانت های خدا هستند، آزارشان نرسانید و بر آنها سخت نگیرید.^۴

۱۳. عقیف بودن

پیامبر(ص) می فرمایند: بهترین زنان شما، زن عقیف راغب است که در ناموس خود عفت و به شوهر خود رغبت داشته باشد.^۵

۱۴. اظهار محبت

حضرت رضا (ع) می فرمایند: بعضی زن ها برای شوهرانشان بهترین غنیمت هستند ، زنانی که به شوهرشان اظهار محبت می کنند.^۶

۱- بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۷ .

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۲ .

۳- بحار الانوار ، ج ۱۰۳، ص ۲۵۳ .

۴- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۵۱ .

۵- نهج الفصاحه ، ح ۱۵۳۴ .

۶- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۳۲ .

نتیجه گیری

اختلافات و مشاجرات و دعواهای متداوم، برای پیکر خانواده، بیماری است و لازم است بیماری را هم از نظر پیشگیری بررسی کرد و هم از نظر درمان. توجه به وظایف و مسؤولیت های خود و طرف مقابل و محدود کردن توقعات به آنچه وظیفه دیگری است، نه تنها عامل جلوگیری از بروز اختلاف، بلکه عامل رفع اختلاف نیز هست.

بعد از آنکه راهکارهایی در مورد اختلاف زن و شوهر از قرآن و روایات استنباط کردیم، اگر زوجین به این روش هایی که در قرآن و روایات آمده عمل کنند اختلاف هایشان را به راحتی حل می کنند. اختلاف بخش جدایی ناپذیر زندگی زناشویی است و اختلاف به خودی خود خطرناک نیست نحوه ی برخورد همسران با اختلاف خطرناک است. بهترین روش حل اختلافات و تعارضات این است که به صورت اصولی و منطقی آنها را حل کنند.

پس برای رفع مشکل باید مکان و زمان مناسب را برای حل مشکل انتخاب کنید ، احساس منفی و ناراحت کننده ی خود را بیان کنید ، از تحقیر و سرزنش و توهین بپرهیزید . مساله ای که بر سر آن اختلاف دارید دقیقا مشخص کنید و به خواسته های خود و همسرتان توجه کنید.

بعد از مطالعه ی این مقاله به این نتیجه میرسیم که هیچ یک از خانواده ها بدون مشکل و اختلاف نیستند . چرا که اختلاف شیرینی زندگی است اما با درایت کامل باید برخورد کنیم و مشکلات را حل کنیم. دین کامل اسلام همانطور که برای زندگی دنیوی ما برنامه های زیادی دارد حتی در اختلافات زن و شوهر راه کارهایی مطرح کرده است که از پیامبر و ائمه معصومین روایات زیادی وجود دارد و حتی در قرآن نیز آیه های زیادی وجود دارد و در این مقاله هم آیه هایی آورده شده است . باید در اختلافات زود قضاوت نکنیم و تصمیم منفی نگیریم تا مشکلات بزرگ نشوند. خلاصه اینکه خانواده با ارزش ترین کانون در اسلام است و نباید به راحتی آن را دگرگون کنیم.

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- نهج الفصاحه.
- ۳- اصفهانی، سید ابوالحسن، وسیله النجاه، قم: نیکنام، ۱۳۸۰ ه.ش.
- ۴- بهشتی، احمد، خانواده در قرآن، قم: بوستان کتاب قم، ۱۳۸۵ ه.ش.
- ۵- طباطبائی، محمد حسین، المیزان، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هشتم، ۱۳۶۸ ه.ش.
- ۶- طبرسی، حسن، مکارم الاخلاق، قم: الشریف الرضی، چاپ چهارم، ۱۳۷۰ ه.ش.
- ۷- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ پنجم، ۱۱۱۱ ه.ق.
- ۸- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۵۳ ه.ش.
- ۹- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۳۱۴ ه.ق.
- ۱۰- نوری، حسین، مستدرک الوسائل، قم: آل البیت، چاپ سوم، ۱۳۷۷ ه.ش.